

## گونه‌های گفتاری و نوشتاری در آموزش زبان فارسی به غیر فارسی‌زبانان

احمد صفارمقدم\*

### چکیده

مهم‌ترین تمایز کاربردی زبان، که از وسیله بیان ناشی می‌شود، تمایز گفتار و نوشتار است. این تمایز دو گونه گفتاری و نوشتاری زبان را پدید می‌آورد که در همه زبان‌ها کم و بیش به چشم می‌خورد. تفاوت‌های دو گونه به دوری یا نزدیکی صورت‌های گفتاری از صورت‌های نوشتاری بستگی دارد. به دلیل اختلافات بارز گفتار و نوشتار در زبان فارسی، آموزش این زبان به‌عنوان زبان خارجی دشواری فراوانی برای زبان‌آموزان به همراه دارد. این دشواری زمانی محسوس‌تر می‌شود که غیر ایرانی بودن بسیاری از مدرسان این رشته، تخصص مدرسان ایرانی در رشته‌های جدا از آموزش زبان، محیط زبانی نامأنوس و بیگانه، ضعف عوامل انگیزشی در زبان‌آموزان، و در نهایت، عدم دسترسی به منابع آموزشی صوتی نیز در مد نظر قرار گیرد. در آغاز مقاله، ضمن اشاره به نحوه شکل‌گیری مطالعات گفتاری-نوشتاری، وضعیت کلی آموزش زبان فارسی به غیر فارسی‌زبانان به‌اختصار مطرح گردیده، سپس به توضیح تفاوت‌های عمده ساختاری در دو گونه گفتاری و نوشتاری پرداخته شده است. شرح مجموعه تفاوت‌های این دو، بر مبنای پژوهش‌های نوین زبان‌شناختی، بخش اصلی مقاله را تشکیل می‌دهد. طرح مبانی نظری، به شرحی که خواهد آمد، می‌تواند اساس ارائه راهکار مناسب برای آموزش تفاوت‌ها در برنامه‌های فارسی‌آموزی قرار گیرد و در کسب مهارت‌های گفتاری زبان‌آموزان مفید واقع

\* دانشیار آموزش زبان و فرهنگ ایران به غیر فارسی‌زبانان، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

as\_moqaddam@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۷/۱۹، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۹/۳۰

شود و، در نهایت، به ارتقای دانش زبانی آنان و جایگاه زبان فارسی بینجامد. طرح مقاله از شناخت و تجربه نگارنده در آموزش زبان فارسی به غیر فارسی‌زبانان نشئت گرفته و داده‌های آن به روش اسنادی از آثار محققان نام‌دار زبان‌شناسی تأثیر پذیرفته است.

**کلیدواژه‌ها:** مطالعات گفتاری - نوشتاری، آموزش زبان فارسی، گونه گفتاری، گونه نوشتاری، تفاوت‌های گفتاری - نوشتاری.

## ۱. مقدمه

مطالعه در تفاوت‌های گونه گفتاری (spoken variant) و گونه نوشتاری (written variant) زبان حوزه‌ای جدید و از یافته‌های زبان‌شناسی نوین در آغاز قرن بیستم به‌شمار می‌آید. بیش از دو هزار سال، مطالعه زبان بر مبنای شکل نوشتاری آن، که تنها گونه معتبر شناخته می‌شده، صورت گرفته است. با این همه، نخستین اشارت به تفاوت‌های این دو گونه به ارسطو نسبت داده می‌شود؛ آن‌جا که می‌گوید: «باید توجه داشت که هرگونه نطق و بیان سبک مقتضی خود را دارد. سبک نثر مکتوب سبک بیان گفتاری نیست» (Chafe and Tannen, 1987: 384). سوسور (Saussure, 1966: 23) نخستین بار افتراق گفتار و نوشتار و تمایز گفتار نسبت به نوشتار را باز شناخت و، بر این اساس، مطالعات شناختی دو گونه آغاز شد. پژوهش‌های اولیه در این زمینه به دعوت و ولبرت (Woolbert) شکل گرفت و مراد از گونه گفتاری در آن زمان سخنرانی برای عموم بود (Chafe and Tannen, 1987: 384).

اولین اثر پژوهشی در تفاوت‌های گفتار و نوشتار، پایان‌نامه بورکرز (Borchers) در سال ۱۹۲۷ است که در آن به مقایسه نوشته‌های ادبی و سخنرانی‌های ده تن از شخصیت‌های سرشناس انگلیس و آمریکا، از جمله امرسون، گلدستون و لینکلن، پرداخت و دریافت که، در گونه گفتاری، فعل امر، استفهام، اصوات، مراجعه به مخاطب و موقعیت، و نیز ضمیرهای اول شخص و دوم شخص کاربرد بیش‌تری دارد (ibid). این نکات در یافته‌های جدید زبان‌شناسی هم به چشم می‌خورد.

پژوهش‌های حوزه گفتار و نوشتار از آن تاریخ تاکنون عمدتاً در آمریکا، کانادا، و اروپا انجام گرفته و زبان‌شناسان، به‌ویژه در طی نیم قرن گذشته، به بررسی تفاوت‌های این دو گونه پرداخته‌اند (ibid). این مطالعات می‌تواند، بیش از همه، در رشد و شکوفایی آموزش

زبان، از جمله آموزش زبان فارسی که تمایز دو گونه در آن شدت بیش‌تری دارد، تأثیرگذار باشد و نتایج سودمندی به بار آورد.<sup>۱</sup>

زبان فارسی به دلیل جایگاه والای فرهنگی، ادبی، و تمدنی ایران بخشی از میراث فرهنگ بشری شناخته می‌شود و مورد توجه جهانیان است. برخی از مراکز دانشگاهی قرن‌هاست که به پژوهش دربارهٔ زبان فارسی و آموزش آن پرداخته‌اند. این زبان در مقطع کنونی، در دانشگاه‌ها و مراکز فرهنگی نزدیک به یک‌صد کشور، تدریس می‌شود. شرایط حاضر امکانات وسیعی را فراروی ما قرار داده که ایجاد ارتباط جهانی و شناخت ارزش‌های فرهنگی و تمدنی کشورمان، دست کم در مراکز علمی جهان، از آن جمله است.

آموزش فارسی، به‌ویژه در خارج از کشور، با دشواری‌ها و محدودیت‌های عمده‌ای همراه است. غیر ایرانی بودن بخش عظیمی از مدرسان ارجمند زبان فارسی، که اغلب فرصت تحصیل در ایران را نیافته و در حیطهٔ گفتاری زبان با مشکل مواجه‌اند، از جمله این موانع است. مدرسان ایرانی گروه بزرگ دیگری را تشکیل می‌دهند که عموماً در تخصص‌های جدا از آموزش زبان تحصیل کرده‌اند. محیط زبانی در مراکز آموزش زبان فارسی اغلب نامأنوس و بیگانه است، به این معنی که زبان‌آموزان از دست‌یابی به ایرانیان یا فارسی‌دانانی که در روند زبان‌آموزی با آنان تعامل نمایند محروم‌اند. از این گذشته، بیش‌تر فارسی‌آموزان، به دلیل کمبود مشوق‌های اقتصادی، انگیزهٔ نیرومندی در امر آموختن ندارند. نبود مباحث گفتاری - نوشتاری در برنامه‌های آموزشی و کمبود منابع صوتی مشکل دیگر رشد یادگیری مهارت تکلم شمرده می‌شود.

حاصل تمامی این عوامل به پیشرفت بسیار کند زبان‌آموزان در کسب مهارت گفتاری انجامیده است. از این رو، لازم به نظر می‌رسد که، با بهره‌گیری از حاصل پژوهش‌های جدید، راهکارهای مناسب در تدریس گونهٔ گفتاری به غیر فارسی‌زبانان مورد توجه برنامه‌ریزان و مدرسان قرار گیرد. این مقاله به منظور بررسی پژوهش‌های انجام‌یافته در حوزهٔ یادشده فراهم آمده است و امید می‌رود که به هموارساختن راه آموزش فارسی به غیر فارسی‌زبانان کمک نماید.

خوشبختانه، در طی چند دههٔ گذشته که برنامه‌های آموزش و گسترش زبان فارسی به غیر فارسی‌زبانان به صورت نظام‌مند و مؤثرتری به اجرا درآمده، مدرسان و محققان زبان فارسی نیز در حوزهٔ آموزش و پژوهش دو گونهٔ گفتاری و نوشتاری آثار سودمندی فراهم ساخته‌اند که شاخص‌ترین آن‌ها عبارت‌اند: *آموزش زبان فارسی «آزفا»* (ثمره، ۶۸-۱۳۶۷)،

فارسی در گفتار (مدرسی، ۱۳۸۰)، «فارسی گفتاری و نوشتاری» (کلباسی، ۱۳۸۰)، فارسی بیاموزیم (ذوالفقاری و دیگران، ۱۳۸۷)، دستور زبان فارسی گفتاری (وحیدیان کامکار، ۱۳۸۴)، زبان فارسی (صفارمقدم، ۱۳۸۶) و تولیدات کانون زبان ایران. تعدادی پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکترای زبان‌شناسی نیز به تألیف رسیده‌اند که مرتبط‌ترین آن‌ها از این قرارند: سیدمحمدتقی طیب (۱۳۵۵)، ترانه هاتف حقی (۱۳۸۰)، پریسا فولادی (۱۳۸۲)، سارا زاهدی اصل (۱۳۸۳)، و آزاده شکوهی (۱۳۸۲).<sup>۲</sup>

در مقاله حاضر، اصطلاح غیر فارسی‌زبان به خارجی‌ان و نسل‌های دوم و سوم ایرانیان مهاجر اطلاق می‌شود که در داخل یا خارج از کشور به آموزش زبان فارسی روی می‌آورند. فارسی‌آموزان داخل کشور اغلب در دانشگاه المصطفی و دیگر مراکز آموزشی شهر قم، دانشگاه امام خمینی قزوین، دانشگاه‌های تهران، شیراز، اصفهان و برخی دیگر به تحصیل مشغول‌اند اما بیش‌تر دانشجویان زبان فارسی در خارج از کشور به‌سر می‌برند و به دلیل نداشتن ارتباط با محیط فارسی‌زبان، به‌ویژه در حوزه گفتار، نیاز بیش‌تری به آموزش‌های گفتاری دارند.

## ۲. گونه گفتاری

بسیاری از مردم زبان گفتار را، برخلاف نوشتار، زبانی می‌دانند سطحی، فاقد نظم و بی‌بهره از قواعد دستوری که از جمله‌ها و عبارات کوتاه با امکان تکرار، سکوت، اشتباه و مانند آن تشکیل می‌شود. به‌رغم این تصورات، گفتار نه زبانی سطحی است و نه بی‌نظم، گرچه به دلیل گسستگی قاموسی، که به آن پرداخته خواهد شد، محتوای کم‌تری نسبت به نوشتار دارد. بنابراین، زبان گفتار نباید شکل منحنی و پستی از زبان نوشتار دانسته شود بلکه باید نظام متفاوتی به‌شمار آید که برای کار متفاوتی طرح شده است. زبان گفتار حوزه‌ای گسترده دارد که اهمیت آن در زبان‌شناسی هنوز ناشناخته مانده است.

تجلی گفتار و اشکال گوناگون آن را می‌توان در طیفی قرار داد که در یک طرف کم‌ترین تفاوت را با نوشتار دارد اما، در طرف دیگر، بیش‌ترین اختلاف با ویژگی‌های نوشتاری را نشان می‌دهد. مثلاً، گفت‌وگوی رسمی در تلویزیون و برنامه‌هایی که از قبل طراحی شده، مانند موعظه و سخنرانی، نزدیکی بیش‌تری با زبان نوشتار دارند، اما در مکالمه و گفت‌وگوی غیر رسمی و عادی، که بین دو یا چند نفر در حین انجام کاری صورت می‌گیرد، بیش‌ترین تفاوت دیده می‌شود. نزدیکی و دوری گفتار با نوشتار

بستگی به موقعیت‌های متفاوت دارد. عامل تأثیرگذار بر گفتار تجربه زبان نوشتار است. هرچه این تجربه طولانی‌تر و عمیق‌تر باشد بر گفتار شخص تأثیر بیش‌تری می‌گذارد (Asher and Simpson, 1994: 4301).

در برنامه‌ریزی آموزش زبان گفتار، شناخت گونه‌های زبانی و توجه به اولویت‌های آموزشی، هم از نظر مدرسان زبان و هم فراگیران، اهمیت خاص می‌یابد. به همین دلیل، لازم است، با رویکرد آموزشی، توجه کافی به این مقوله مبذول شود.

در زمینه سبک‌ها و گونه‌های زبانی تاکنون مطالعات دقیق و جامعی از دیدگاه جامعه‌شناسی زبان صورت گرفته است (مدرسی، ۱۳۶۸). محققان و زبان‌شناسان دیگر نیز در این حوزه به تحقیق پرداخته‌اند، از جمله ابوالحسن نجفی (۱۳۷۸)، زیر عنوان «مراتب زبان»، زبان نوشتار را به دو گونه زبان ادبی و رسمی، و زبان گفتار را نیز به دو گونه روزمره و عامیانه تقسیم نموده که کارایی آموزشی ندارد. والی رضایی (۱۳۸۴) زبان معیار محاوره‌ای و زبان عامیانه را دو مقوله جدا از هم می‌داند اما معتقد است که در مورد رابطه زبان معیار و گفتاری با زبان محاوره تعریف دقیقی وجود ندارد و این از مشکلات طبقه‌بندی گونه‌های زبانی شمرده می‌شود. همچنین ناصرقلی سارلی (۱۳۸۴)، در بحث زبان معیار و معیارسازی، تقدم را با نوشتار می‌داند و، به طور کلی، ویژگی‌ها و ساختار گفتار را معیارگریز می‌شمارد. در آرای احمد سمیعی (۱۳۸۶) و علی‌اشرف صادقی (۱۳۶۲)، به‌رغم اعتبار، مسائل آموزش زبان به غیر فارسی‌زبانان لحاظ نگردیده است.

ملاحظات یادشده بررسی بیش‌تر در گونه‌های زبانی از نظر آموزش فارسی به خارجیان را ضروری می‌سازد که به مجال بیش‌تری نیاز دارد. در این جا به تعریف مختصر گونه‌های زبانی به شرح زیر بسنده می‌شود:

۱. خواننداری: یعنی همان خواندن متن‌های مکتوب است. شکل خواننداری با شکل نوشتاری جز در ابزار بیان که صوت است تفاوتی ندارد. خواندن متن خبر، اعلامیه‌ها و مطالب رسمی دیگر از رادیو و تلویزیون و یا در مراسم و مناسبت‌های رسمی نمونه‌هایی از کاربرد این گونه شمرده می‌شود.

۲. ادبیانه: این گونه کم‌ترین فاصله و تفاوت را با گونه نوشتاری دارد. ادب، فضلا، و مقامات رسمی در سخنرانی‌های مختلف، خطابه‌های مذهبی و بیان مطالبی که کاملاً رسمی و جدی است از آن استفاده می‌کنند (Brown and Yule, 1983: 7).

۳. معیار: این گونه زبان گفت‌وگو میان تحصیل‌کردگان و فرهنگیان جامعه است که بر

پایه فارسی گفتاری رایج در تهران شکل گرفته و در دانشگاه‌ها، مراکز علمی و آموزشی، و مدارس سرتاسر کشور به آن تدریس می‌شود. همچنین در محافل اجتماعی، اداری، و سیاسی به این گونه سخن می‌گویند.

گونه گفتاری معیار با ادب و احترام همراه است. هم در روابط رسمی با مقامات بالاتر و افراد بیگانه و با هر شخصی که شایسته ادب و احترام دانسته شود کاربرد دارد و هم در روابط غیر رسمی و دوستانه با دوستان، نزدیکان، خویشاوندان، و همکاران.

۴. محاوره‌ای: گونه غیر رسمی زبان است که با گونه معیار وجوه اشتراک زیادی دارد و کاربران آن عموم مردم، اعم از تحصیل کرده و دیگران، به ویژه نسل جوان هستند. مشخصات این گونه به شرح زیر است:

الف) ساده، صمیمی، و خودمانی است. به همین دلیل، ضمیر دوم شخص مفرد «تو» در آن کاربرد زیادی دارد.

ب) واژه‌ها و ترکیبات جدیدی که دانشجویان، دانش‌آموزان و اقشار دیگر با ذوق و سلیقه شخصی ابداع می‌کنند در آن فراوان است.

پ) اصطلاحات و ترکیباتی که اقشار فرهیخته و مسن‌تر جامعه کاربرد آن‌ها را ناپسند و ناروا می‌دانند و از آن احتراز می‌کنند در آن استفاده می‌شود. از گونه محاوره‌ای مخصوصاً در برنامه‌های طنز و بیان شاد و مفرح بسیار سود برده می‌شود. سریال‌های تفریحی و خنده‌دار معمولاً سرشار از عناصر محاوره‌ای است. این نمونه‌ها به گونه محاوره‌ای تعلق دارد: دمت گرم، گیرنده، بی خیال شو، پسر زده تو جاده خاکی، سیریش نشو، حال می‌ده، کجای کاری؟

۵. عامیانه: گونه‌ای است که در میان طبقات پایین، بی‌سواد، و کم‌سواد به کار می‌رود و کاربردهای جاهلی، «لاتی» یا اصطلاحاً «چاله‌میدانی» شکل افراطی آن شمرده می‌شود. این گونه ویژگی‌های زیر را دارد:

الف) برخی واژه‌های زبان در آن به صورت مقلوب و مبدل تلفظ می‌شوند، مانند صورت‌های معیاری سبد، گرد، عذر، نسخه، عکس، کلید که در گونه عامیانه به ترتیب به شکل سبت، گرت، عرذ، نخسه، عسک، کلیت درمی‌آیند (رضایی، ۱۳۸۴: ۲۷).

ب) بعضی ترکیبات به لحاظ نحوی و معنایی به صورت نادرست به کار برده می‌شوند: به قول فرمایش شما، فریزر.

پ) صورت‌های ناخوشایند و مغایر با ادب و حرمت زبانی در این گونه کاربرد دارد.

چند نمونه از گونه عامیانه: دویم، سیم، نوکرتم، نه‌نه، اختلاط کردن، خیطمون نکن، من گیرپاژ کردم، از موتور مثل یابو کار می‌کشیم، نامرد، پدرسگ، تخم سگ. رایج‌ترین گونه گفتاری زبان فارسی که در بین اقشار متوسط و بالای جامعه کاملاً پذیرفته و معتبر شمرده می‌شود همان گونه معیار است که چاشنی محاوره، با رعایت ملاحظات اجتماعی، به شیرینی و طراوت آن می‌افزاید. از این رو، یادگیری گونه گفتاری معیار، نخستین اولویت، و آشنایی با گونه محاوره‌ای، دومین اولویت آموزش زبان فارسی محسوب می‌شود. در مراحل پیشرفته آموزش، آشنایی با گونه‌های دیگر اجتماعی و حتی گویش‌ها و لهجه‌های مختلف سودمند و چه بسا ضروری خواهد بود.

### ۳. گونه نوشتاری

زبان مکتوب زبان علم و ادب شمرده می‌شود و وسیله حفظ و انتقال میراث فرهنگی بشر و ابزار ارتباط نسل حاضر با خود، با گذشتگان، و با آیندگان است. همه اسناد، مدارک و توافقات مهم و روزمره به صورت نوشته اعتبار می‌یابد. کتاب‌های درسی و غیر درسی، مجلات، روزنامه‌ها، و روابط رسمی و اداری همگی شکل مکتوب دارد (Brown and Yule, 1983: 1).

زبان در طول تاریخ به صورت نوشتاری تعلیم داده شده و هر تحصیل کرده‌ای با گونه نوشتاری به محتوای علمی و ادبی زبانی که فرا می‌گیرد دست می‌یابد. اهمیت فراوان زبان نوشتار و نقش محوری آن در جوامع باسواد را باید در نظر داشت. نقش زبان نوشتار مخصوصاً در جوامع باسواد به حدی مهم است که ما زبان نوشته را تنها گونه معتبر برای یادگیری می‌دانیم. اما گفتار میلیون‌ها سال قبل از نوشتار پدید آمده و به زندگی افراد بشر راه یافته است (Halliday, 1989: 7).

گونه نوشتاری زبان فارسی از یک‌دستی و یک‌پارچگی بیش‌تری نسبت به گونه گفتاری برخوردار است و انواع زیر را دربر می‌گیرد:

۱. ادیبانه: این گونه در حوزه‌های ادبیات، دین، فلسفه و مانند آن کاربرد دارد و تنها ادیبان، علما، و اهل قلم از عهده نگارش آن برمی‌آیند. گونه ادیبانه با قواعد نگارش انطباق کامل دارد و رسمی‌ترین گونه زبان شمرده می‌شود. به لحاظ دقت فراوان در بهره‌گیری از واژه‌های متنوع و کم‌بسامد و نیز ساخت‌های زبانی نغز و پرمعنی، بسیار جذاب و تأثیرگذار به نظر می‌رسد.

۲. معیار: این همان گونه رسمی است که عموم تحصیل‌کردگان در سطح جامعه به آن می‌نویسند و در همه حوزه‌های آموزشی، اجتماعی، اداری، و ارتباطی کاربرد دارد؛ بر قواعد نگارش منطبق است و از سبک عادی‌تر و ساده‌تری نسبت به گونه ادیبانه تبعیت می‌کند.

۳. شکسته: این گونه شکل نگارشی گونه گفتاری است که در نامه‌ها، یادداشت‌های شخصی، و پیامک‌های تلفنی برای خویشاوندان، نزدیکان، و دوستان کاربرد دارد. گفت‌وگوی فیلم‌های سینمایی و سریال‌های تلویزیونی به این گونه زیرنویسی می‌شود. برخی نویسندگان نیز آثار خود را به صورت شکسته نوشته‌اند.

تأکید بر گونه نوشتاری معیار و تدریس این گونه اولویت نخست برنامه‌های آموزشی برای غیرزبانان است.

#### ۴. تفاوت‌های نوشتار و گفتار

##### ۱.۴ فشردگی قاموسی

هلیدی (Halliday, 1989: 61) فشردگی قاموسی (lexical density) را یکی از ویژگی‌های برجسته زبان مکتوب نسبت به زبان گفتار می‌داند و عامل فشردگی را کثرت عناصر قاموسی (lexical items) در مقابل عناصر دستوری (grammatical items) معرفی می‌کند. به تعبیر او، چنانچه مجموعه واژه‌های قاموسی یک متن را نسبت به کل واژه‌های آن متن حساب کنیم، درصد فشردگی متن به دست می‌آید. به عبارت دیگر، فشردگی قاموسی عبارت است از حاصل تقسیم واژه‌های قاموسی بر کل واژه‌های یک متن. درصد فشردگی می‌تواند مبنای سنجش و مقایسه متون مختلف قرار گیرد. ویکتوریا یوهانسن (Johanssen, 2008) شیوه‌های محاسبه عناصر قاموسی و دستوری متون زبانی را بررسی و پیشنهاد کرده است.

عناصر قاموسی زبان شامل اسم، فعل، صفت، و قید می‌شوند. عناصر دستوری را عمدتاً حروف اضافه، اصوات، ضمائر، و حروف ربط تشکیل می‌دهند. عناصر قاموسی به لحاظ محتوایی متمایز از عناصر دستوری‌اند و وجه تمایز آن‌ها بار معنایی و اطلاعاتی بیش‌تر نسبت به عناصر دستوری است. به این جهت به عناصر قاموسی واژه‌های محتوا (content words) نیز گفته می‌شود. همچنین این دسته از عناصر به واژه‌های طبقه آزاد (open class) تعبیر می‌شوند زیرا اجزای آن طبقه به راحتی قابل افزایش است. از طرف دیگر، عناصر دستوری، که به آن‌ها واژه‌های تابع (function words) نیز می‌گویند، طبقه



بسته (closed class) را دربر می‌گیرند؛ به این دلیل که افزودن اجزای جدید به آن‌ها، مثلاً یک ضمیر یا حرف اضافه، بسیار نادر است. جمله زیر به روشن شدن مفهوم فشردگی کمک می‌کند:

'The trust has offered advice to local government authorities on cemetery conservation'.

در این جمله که از دوازده واژه تشکیل شده، چهار واژه the, has, to, و on عناصر دستوری‌اند و هشت واژه دیگر عناصر قاموسی. به عبارت دیگر، تعداد عناصر قاموسی دو برابر عناصر دستوری است و درصد فشردگی آن ۶۶٪، یعنی حاصل تقسیم هشت بر دوازده می‌باشد. جمله یادشده را با جمله گفتاری زیر مقایسه می‌کنیم:

'The only real accident that I've ever had was in fog and ice'.

در جمله بالا، تعداد عناصر دستوری و قاموسی به سیزده می‌رسد. عناصر قاموسی شامل چهار واژه real, accident, fog, ice و عناصر دستوری مرکب از نه واژه the, only, that, I've, ever, had, was, in, and است. به این ترتیب، در جمله دوم، عناصر دستوری و قاموسی رابطه عکس دارند و درصد فشردگی آن حاصل تقسیم چهار بر سیزده، یعنی تقریباً ۳۰٪ است. در نتیجه، فشردگی قاموسی جمله اخیر کم‌تر از نصف جمله اول می‌باشد.

رابطه عناصر دستوری و قاموسی به گونه‌ای که مطرح گردید به موضوع و محتوای خاصی محدود نمی‌شود. هر جمله نوشتاری را به شکل گفتاری آن تبدیل کنیم همان رابطه را مشاهده خواهیم کرد. مثلاً، جمله زیر ساختار نوشتاری دارد:

'The growth of attachment between infant and mother signals the first step in the development of a child's capacity to discriminate amongst people'.

شکل گفتاری جمله بالا چنین است:

'When an infant and its mother start to grow attached to each other, this is a sign that the child is beginning to discriminate amongst people'.

در جمله نوشتاری، تعداد عناصر قاموسی دوازده و عناصر دستوری یازده است و حال آن‌که تعداد همین عناصر در شکل گفتاری به ترتیب به ده و شانزده تغییر می‌کند. نمونه‌های زیر از زبان فارسی نیز مؤید همین رابطه است:

نوشتاری: پیروزی مستلزم تلاش است. (واژه قاموسی: ۴؛ واژه دستوری: ۰).

گفتاری: برای این که پیروز شویم باید تلاش کنیم. (واژه قاموسی: ۵؛ واژه دستوری: ۳).

نوشتاری: دریافت وام مشروط به امضای قرارداد است. (واژه قاموسی: ۶؛ واژه دستوری: ۱).

گفتاری: اگر بخواهید وام بگیرید، شرطش این است که قرارداد را امضا کنید. (واژه قاموسی: ۸؛ واژه دستوری: ۴).

هلیدی نتیجه می‌گیرد که هرچه زبان «نوشتاری» تر به کار رود نسبت عناصر قاموسی به کل واژه‌های آن افزایش خواهد یافت (Halliday, 1989: 64). همچنین ار (Ure, 1971)، که نخستین بار، قبل از هلیدی، به معرفی فشردگی قاموسی زبان پرداخته است، نظر می‌دهد که اکثریت عظیمی از متن‌های گفتاری دارای فشردگی قاموسی کم‌تر از ۴۰٪ هستند اما اکثریت عمده متون نوشته فشردگی قاموسی ۴۰٪ یا بالاتر دارند.

از میان دیگر محققان زبان‌شناسی، دویتو (DeVito)، پژوهش‌گر پرکار دهه ۱۹۶۰، بیش از همه بر پیچیدگی قاموسی و کاربرد واژه‌های دشوارتر در گونه نوشتاری تأکید کرده است (Chaf and Tannen, 1987: 385).

#### ۲.۴ بسامد عناصر زبانی

از دیگر تفاوت‌های دو گونه گفتاری و نوشتاری بسامد عناصر دستوری در آن‌هاست. عناصر دستوری بسامد بالاتری نسبت به عناصر قاموسی دارند (Halliday, 1989: 66). این تفاوت با ملاحظه سطحی جملات زبان قابل تشخیص است اما واژه‌نامه‌های بسامدی که در آن‌ها آمار کاربرد عناصر زبانی به دقت آورده شده اطلاعات معتبر و مستندی در این زمینه ارائه می‌دهند.

پیکره دانشگاه براون که با حجم حدود یک میلیون لغت برای زبان انگلیسی فراهم شده حرف تعریف the را در جایگاه پربسامدترین عنصر با شمار ۶۹۹۷۰ نشان می‌دهد. «واژه‌های پرکاربرد فارسی امروز» بر مبنای پیکره یک میلیون لغتی تنظیم شده و بیش از ۸۰۰۰ لغت قاموسی و غیر قاموسی دارد. پربسامدترین عنصر در این پیکره «و» است که بسامد آن به ۴۹۷۵۸ می‌رسد. جدول زیر ده عنصری را که دارای بالاترین بسامد در زبان‌های فارسی و انگلیسی هستند، بر مبنای دو منبع یادشده، نشان می‌دهد:

جدول ۱. ده عنصر با بالاترین بسامد در زبان‌های فارسی و انگلیسی بر مبنای دو منبع یادشده

واژه فارسی	بسامد فارسی	واژه انگلیسی	بسامد انگلیسی
و	۹۴۷۵۸	the	۶۹۹۷۰
به	۳۲۴۷۸	of	۳۶۴۱۰
را	۲۵۷۹۷	and	۲۸۸۵۴

۲۶۱۵۴	to	۲۳۷۱۷	از
۲۳۳۶۳	a	۲۲۵۹۳	که
۲۱۳۴۵	in	۲۱۶۷۱	در
۱۰۵۹۴	that	۱۱۷۶۲	این
۱۰۱۰۲	is	۱۱۶۱۱	با
۹۸۱۵	was	۹۸۳۷	است
۹۵۴۲	he	۶۹۹۹	آن

پیکره پنجاه میلیونی پایگاه داده‌های زبان فارسی (Assi, 1385) نیز به طور کلی یافته‌های بالا را تأیید می‌کند. آمار بسامدی زیر برگرفته از آن پیکره و بر مبنای پنجاه میلیون است:

جدول ۲. آمار بسامدی برگرفته از پیکره پنجاه میلیونی پایگاه داده‌های زبان فارسی

بسامد	واژه فارسی	بسامد	واژه فارسی
۷۱۷۴۳۷	که	۱۵۶۴۳۶۷	و
۶۰۵۱۶۹	این	۱۱۴۱۰۹۰	در
۵۵۳۴۱۰	را	۱۰۳۲۳۶۱	به
۴۱۳۴۶۳	با	۹۳۶۱۸۸	بودن
۳۶۴۶۳۷	شدن	۸۱۵۱۳۱	از

به این ترتیب، در فهرست واژگان زبان‌های انگلیسی و فارسی، عناصر دستوری به لحاظ میزان کاربرد در صدر قرار دارند و عناصر قاموسی، با بسامد بسیار کم‌تر، در جایگاه بعدی آمده‌اند. برخی از کم‌بسامدترین عناصری که در «واژه‌های پرکاربرد فارسی امروز» آورده شده و دارای بسامد ده می‌باشند عبارت‌اند از: آواره، پاسداری، رشوه، ستم، عمران، فروپاشی، گوشزد، مساعی، نیروگاه، هیولا. در بحث فشردگی اطلاعاتی (informational density) به تفاوت بسامد کاربردی خواهیم پرداخت.

در مقایسه عناصر قاموسی و عناصر دستوری معلوم می‌شود که عناصر دستوری اغلب حروف کم‌تر و عناصر قاموسی حروف بیش‌تری دارند. پرکاربردترین عناصر دستوری در زبان‌های انگلیسی و فارسی، که در فهرست بالا آمده‌اند، از یک تا سه حرف تشکیل می‌شوند اما عناصر قاموسی، دست کم، واژه‌های سه حرفی هستند. تحقیقات دریمن (Drieman, 1962) بر کاربرد کلمات بلندتر در گونه نوشتاری دلالت دارد (Chafe and Tannen, 1987: 385).

### ۳.۴ فشردگی اطلاعاتی

بین بسامد یا احتمال وقوع (probability of occurrence) عناصر زبانی با فشردگی یا بار اطلاعاتی آن‌ها رابطه عکس برقرار است. هرچه بسامد عنصری بیش‌تر باشد فشردگی آن کم‌تر خواهد بود و، به عکس، بسامد کم‌تر با افزایش بار اطلاعاتی همراه است. از این‌رو، واژه‌ای که احتمال وقوع کم‌تری داشته باشد حاوی اطلاع بیش‌تری خواهد بود (Halliday, 1989: 66). مقایسهٔ اجمالی پربسامدترین ده واژهٔ فارسی، یعنی «و، به، را، از ...»، که بسامدی بین ۷۰۰۰ تا ۹۴۰۰۰ دارند، با برخی از کم‌بسامدترین واژه‌ها، مانند: آواره، پاسداری، رشوه، ستم ...، که دارای بسامد ده می‌باشند، رابطهٔ عکس بین بسامد و بار اطلاعاتی را نشان می‌دهد. هریک از واژه‌های کم‌بسامد یادشده به‌وضوح بار اطلاعاتی بیش‌تری نسبت به عناصر پربسامد را القا می‌کنند. بنابراین، زبان مکتوب نسبت به زبان گفتار از عناصر قاموسی بیش‌تر و عناصر دستوری کم‌تری بهره دارد و حاوی فشردگی اطلاعاتی بیش‌تری است. به عکس، زبان گفتار که عناصر دستوری بیش‌تر و عناصر قاموسی کم‌تری دارد با فشردگی اطلاعاتی کم‌تری همراه است. فشردگی اطلاعاتی رابطهٔ مستقیم با فشردگی قاموسی دارد.

### ۴.۴ تنوع قاموسی

تنوع قاموسی (lexical diversity) یکی دیگر از ویژگی‌هایی است که بیش‌تر در گونهٔ نوشتاری دیده می‌شود تا در گونهٔ گفتاری. نوشتار از تنوع واژگانی بیش‌تری نسبت به گفتار بهره دارد اما، در تعامل روزمره با اعضای خانواده، دوستان، و همکاران میزان واژگان محدود است. در حالی که فشردگی قاموسی نمایندهٔ نسبتِ واژه‌های قاموسی زبان به کل واژه‌های یک نوشته یا گفته محسوب می‌شود، تنوع قاموسی بیان‌گر تعداد هرچه بیش‌تری از واژه‌های متفاوت در نوشته یا گفته با حداقل تکرار است.

### ۵.۴ ساخت جمله

ساخت جمله در دو گونهٔ گفتاری و نوشتاری تفاوت‌های عمده دارد. برش متن مکتوب به صورت جمله‌های کوتاه‌تر یکی از این تفاوت‌هاست. تغییر ساخت جمله در برخی موارد از SOV به SVO و نیز حذف عناصر واژگانی در گفتار از دیگر تفاوت‌های دو گونه در زبان فارسی شمرده می‌شود.

الف) جمله‌های کوتاه در گفتار: گفتار معمولاً با توضیح و تکرار، که برای روشن‌شدن

مطلب صورت می‌گیرد، همراه است و از جمله‌های کوتاه‌تری تشکیل می‌شود؛ در حالی که نوشتار دارای جمله‌های طولانی‌تر و وابسته‌های بیش‌تری است. تحقیقات هرل (Harrel) و کرول (Kroll) کاربرد بیش‌تر وابسته‌ها در گونه نوشتاری نسبت به گونه گفتاری را تأکید می‌کند (Chafe and Tannen, 1987: 384, 387). نمونه زیر از یک متن فارسی که به گونه نوشتاری و رسمی انتشار یافته انتخاب شده است:

«از همان آغازین روزهای تأسیس، به پشتوانه نیات پاک و راستین، حضور مؤسسين صادق، خادم و متخصص، این مؤسسه، با نام مختصر 'محک'، در زمره آن دسته از سازمان‌های مردم‌نهاد نیک‌نام، که زیارتگاه عاشقان انسان و انسانیت است قرار گرفت، تا جایی که توانست ظرف کم‌تر از یک دهه با بهره‌گیری از اعتماد و حمایت‌های همه آحاد مردم و سخت‌کوشی اعضای داوطلب و اعمال روش‌های علمی و تخصصی در مراقبت‌های ویژه از بیماران و خانواده‌های آنان، در کنار پیشرفت‌های علم پزشکی، آمار مرگ و میر را از ۷۵٪ در دهه ۶۰ به ۲۵٪ در دهه ۸۰ برساند.»

جمله بالا هرگز در گونه گفتاری به این شکل پیچیده به کار نمی‌رود بلکه به جمله‌های کوتاهی مانند جمله‌های زیر تقطیع می‌شود:

[اسم مختصر مؤسسه محک]

اعضای مؤسس محک آدم‌های صادق، خادم و متخصصی هستن

اون‌ها نیت پاک و درستی دارن

از همون ابتدا محک جزو سازمان‌هایی شد که آدم‌های خوش‌نام درست می‌کنن

سازمان‌هایی که برای انسان‌دوست‌ها مثل زیارتگاهن

مؤسسه از اعتماد و حمایت مردم استفاده کرد

اعضا حداکثر تلاش رو کردن

از روش‌های علمی و تخصصی استفاده کردن

از بیمارها و خانواده‌هاشون مراقبت کردن

علم پزشکی هم که پیشرفت می‌کرد

این وضعیت نزدیک ده سال ادامه داشت

آمار مرگ و میر در دهه ۶۰، ۷۵٪ بود

مؤسسه تونست این آمار رو در دهه ۸۰ به ۲۵٪ برسونه.<sup>۳</sup>

تعداد جمله‌های کوتاهی که از تقطیع جمله رسمی به دست آمده به ۱۳ می‌رسد. در این جمله‌ها، به دلیل این‌که از نمونه نوشتاری رسمی برش خورده‌اند، آراستگی دستوری چشم‌گیر است. در گفتار واقعی، رعایت آراستگی معمولاً دشوار است و «تولید زبان پیچیده در شکل گفتاری تنها از عهده زبردست‌ترین گویندگان برمی‌آید» (Asher and Simpson, 1994: 4302).

ب) حذف عناصر واژگانی: تعدادی از عناصر واژگانی زبان که در گونه نوشتاری کاربرد دارند در گونه گفتاری حذف می‌شوند. حذف برخی اسم‌ها، ضمیرهای شخصی، حروف اضافه، حروف ربط، و ... از این جمله است.

### حذف اسم

روز شنبه تعطیل است	[شنبه تعطیله]
ساعت یک می‌آیم	[یک میام]
ماه شهریور کار تمام می‌شود	[شهریور کار تموم می‌شه]

### حرف اضافه

در سال ۱۳۹۰	[سال ۱۳۹۰]
شب به خانه می‌آیم	[شب میام خونه]
من امشب در خانه نیستم	[من شب خونه نیستم]

### حرف ربط

اگر بخواهید می‌توانید بمانید	[بخواین می‌تونین بمونین]
هرچه بیش‌تر کار کنی بیش‌تر می‌گیری	[بیش‌تر کار کنی بیش‌تر می‌گیری]
مدتی است که این‌جا زندگی می‌کنم	[مدتیه این‌جا زندگی می‌کنم]

پ) جابه‌جایی فعل: با بسیاری از افعال حرکتی جابه‌جایی فعل صورت می‌گیرد؛ به این ترتیب که فعل از جایگاه پایانی خود به جای مفعول حرکت می‌کند و مفعول جای فعل را می‌گیرد. به عبارت دیگر ساخت جمله از SOV به SVO تغییر می‌کند:

من به کلاس آمدم	[من اومدم کلاس]
تو به خانه رفتی	[تو رفتی خونه]
کتاب را روی میز گذاشت	[کتابو گذاشت رو میز]
وقتی به ایستگاه رسیدم همه رفته بودند	[وقتی رسیدم ایستگاه همه رفته بودن]

روی صندلی نشستم      [نشستم رو صندلی]  
 کتاب را به من داد      [کتابو داد به من]

#### ۶.۴ ساخت واژه

ساخت واژه به لحاظ آوایی با تغییرات وسیعی در گفتار روبه‌روست. فرایندهای آوایی واژه در زبان فارسی را می‌توان در نمونه‌های زیر مشاهده کرد (کلباسی، ۱۳۸۰: ۴۹-۶۹):

همگونی همخوان‌ها:	وقت	[وخت]
همگونی واکه‌ها:	بلیت	[بیلیت]
ابدال:	می شویم	[می شورم]
حذف واکه:	می شناسم	[می شناسم]
حذف هجا:	می روم	[می رم]
قلب:	قفل	[قلف]

#### ۷.۴ پیچیدگی دستوری

زبان گفتار و زبان نوشتار هر دو تظاهر یک نظام و دارای اشتراکات دستوری‌اند اما نوع و میزان الگوهای ساختاری دو گونه در زبان‌های مختلف یک‌سان نیست. هلیدی ساختار دستوری گونه گفتاری در زبان انگلیسی را پیچیده‌تر از گونه نوشتاری می‌داند: «انگلیسی گفتاری و انگلیسی نوشتاری دو گونه انگلیسی‌اند و بیش‌تر الگوهای ساختاری آن‌ها یک‌سان است. هر دو گونه پیچیده‌اند اما پیچیدگی (intricacy) آن‌ها متفاوت است. پیچیدگی زبان نوشتار قاموسی است و از فشردگی قاموسی ناشی می‌شود در حالی که پیچیدگی زبان گفتار بیش‌تر دستوری است. به عبارت دیگر، پیچیدگی دستوری در گفتار جای فشردگی قاموسی در نوشتار را می‌گیرد (Halliday, 1989: 87).

گفته بالا به طور کلی در مواردی از زبان فارسی صادق است. هر چه گونه گفتاری به گونه نوشتاری معیار نزدیک‌تر باشد پیچیدگی دستوری کم‌تری در آن نسبت به نوشتار دیده می‌شود و، به‌عکس، با دور شدن گونه گفتاری از نوشتاری معیار، پیچیدگی دستوری در آن افزایش می‌یابد. گونه محاوره‌ای، به‌ویژه گونه عامیانه، در بسیاری موارد از قواعد خاص خود تبعیت می‌کند. نمونه‌های زیر از آن جمله‌اند:

[چته؟ چشه؟ چتونه؟] هیچ یک از این جمله‌ها معادلی در گونه نوشتاری ندارد.  
[چند سالته؟ چند سالشه؟ چند سالتونه؟] این ساختار ویژه گونه گفتاری است و قرینه‌ای در نوشتار ندارد.

[که] و [دیگه] کاربردهای گسترده‌ای در معانی متنوع مانند تأیید، تأکید، توجیه، اعتراض و انتقاد دارند که می‌تواند مورد تحقیق قرار گیرد.

#### ۸.۴ عناصر ویژه

گونه مکتوب زبان فارسی در حوزه‌های ادبیات، علوم و فنون مجموعه عظیمی از واژه‌ها و اصطلاحات اختصاصی را دربر دارد که در گونه گفتاری کاربرد ندارند. در زبان عادی و روزمره نیز، عناصر ویژه هر گونه فراوان است. در زیر به برخی از ویژگی‌های گفتاری اشاره می‌شود:

**کلمات ویژه:** او [اون]؛ بله، بلی [آره]؛ برای [واسه]؛ داخل، درون [تو]  
**معرفه گفتاری:** آن پسر [پسره]؛ آن دختر [دختره]؛ آن کتاب [کتابه]  
**حال جاری در گفتار:** می‌آیم [دارم میام]؛ می‌خواهد [داره می‌خواهه]؛ حرف می‌زنیم [داریم حرف می‌زنیم]

**یک شخصی‌ها:** چمه، چته، چتونه  
**حرف اضافه + ضمیر:** از ما [ازمون]؛ با ما [باهامون]؛ به ما [بهمون]؛ در آن [توش]  
**سن:** ده سال دارم [ده سالمه]؛ چند سال دارید؟ [چند سالتونه؟]  
**برخی صورت‌های فعلی:** کوشی؟ [کجایی؟]؛ کوشش؟ [کجاست؟]؛ هستش [هست]؛ بودش [بود]؛ رفتش [رفت]

#### ۹.۴ واحدهای گفتاری و نوشتاری

گفتار از واحدهای صوتی تشکیل می‌شود که هر کدام در نوشتار به نویسه (grapheme) تعبیر می‌شود. زبان گفتار، به ویژه گفتار غیر رسمی، از امکانات آهنگ، تکیه، وزن، مکث، و حالت صدا برخوردار است که گوینده برای نشان‌دادن عواطف و حالات روحی و نیز اثرگذاری بر مخاطب از آن به کمال بهره می‌برد. همگی این عوامل و نیز حرکات دست، سر و بدن به رساندن پیام کمک می‌کنند.

در نوشتار، چیزی جز نویسه برای رساندن پیام وجود ندارد؛ گرچه عامل نقطه‌گذاری،



تصویر یا نمودار هم ممکن است به درک مطلب کمک نماید (Brown, 2001: 304). تیتراگذاری، طراحی و رنگ هم در انتقال منظور نویسنده تأثیرگذار است. با این همه، واژه بیش‌ترین و مهم‌ترین ابزاری است که نویسنده در اختیار دارد.

#### ۱۰.۴ نظم و آراستگی

گونه نوشتاری زبان از نظم و آراستگی چشم‌گیری برخوردار است؛ در حالی که گفتار معمولاً از این ویژگی بهره کم‌تری دارد. گفتار با سرعت بیان، سرعت تغییر، و تبادل نکته‌های ظریف میان گوینده و مخاطب صورت می‌گیرد و پر از جمله‌های ناقص، تکرار، قطع و تصحیح است مگر در مورد سخنرانی‌های رسمی و شکل‌های مکتوب دیگر؛ از جمله، گزارش‌های خبری، فیلم‌نامه‌ها، و نمایش‌نامه‌ها.

زبان نوشتار از دقت فراوانی نسبت به زبان گفتار بهره می‌گیرد. واژه‌ها با دقت و توجه بیش‌تری انتخاب می‌شوند. گفتار ممکن است با دقت همراه باشد اما دقت گفتاری به آمادگی بسیار نیاز دارد (Ferraro and Palmer, 2011: 1). چنانچه نوشتار با ویژگی‌های گفتار محاوره، مخصوصاً عامیانه، ارائه شود آراستگی خود را از دست می‌دهد. سریال فاخر *مختارنامه*، که اخیراً از سیمای جمهوری اسلامی ایران پخش شد، چنین مواردی را در خود داشت. به این سریال که گفت‌وگوهای آن منطبق با گونه رسمی و ادیبانه است عناصری از گونه گفتاری و حتی عامیانه زبان راه یافته است که به آن سبک تعلق ندارد؛ و این ناهماهنگی حاصل از کاربرد عناصر عامیانه مخاطب را می‌آزارد. نمونه‌هایی از سبک رسمی حاکم بر سریال:

مرحبا دلاور. به دیده منت.

مباد میان مردم حجاز نفاق کنی.

دست از پا خطا کنی در دم جانت را می‌ستانم.

هر که با شمشیر خدعه نشکند با هیچ شمشیری نمی‌شکند.

به سیاهه‌ای که نوشته‌ای این دو شرط ابواسحاق را اضافه کن.

نمونه‌هایی از گونه محاوره‌ای و عامیانه دخیل در نوشتار رسمی این سریال:

خودتی ابواسحاق؟ برابر نوشتاری رسمی: تو هستی ابواسحاق؟

زرزر نکن بینم چه نوشته. برابر نوشتاری رسمی: ساکت باش / خاموش باش

بینم چه نوشته.

باید یزید را کله پا کنیم. برابر نوشتاری رسمی: باید یزید را سرنگون کنیم.

#### ۱۱.۴ ثبات نوشتار

گفتار گذراست. همین که سخن بر زبان رانده می‌شود از بین می‌رود مگر این که وسیله‌ای برای ضبط موجود باشد اما نوشتار ثابت است، دست کم تا زمانی که کاغذ یا نوار و سی‌دی دوام داشته باشد ثابت می‌ماند. از این رو، حین گفتار، شنونده ملزم به درک فوری و انباشت سریع محتوای کلام است (Brown, 2001: 303).

#### ۱۲.۴ ارتباط با مخاطب

گویندگان و نویسندگان معمولاً رابطه متفاوتی با مخاطبان خود دارند. بین گوینده و مخاطب دانش و آگاهی مشترکی در زمینه گفت‌وگو وجود دارد. هر دو می‌توانند با پرسش، توضیح، و رفع ابهام به فهم مطلب مشترک کمک نمایند. گفتار عادی و طبیعی، که با تماس مستقیم در بافتی خاص و حین تکلم چهره به چهره صورت می‌گیرد، با حرکات گوناگون، نگاه، حالت چهره و وضعیت بدن همراه است که همگی حاوی اطلاع‌اند، مانند حرکت سریع دست‌ها به پایین که می‌تواند نشان‌دهنده سقوط از بلندی باشد. از این گذشته، گوینده امکان تغییرات فراوان در گفتار خود را به دلیل بازخوردی که از مخاطبان دریافت می‌کند در اختیار دارد (Asher and Simpson, 1994: 4302).

نویسنده اساساً وضعیت متفاوتی دارد. او ممکن است هیچ شناختی از مخاطبان خود نداشته باشد. از خواننده نیز بازخورد فوری ندارد و نمی‌تواند تغییرات فوری در نوشته ایجاد نماید. مگر در ارتباطاتی که از طریق رایانه برقرار می‌شود. بنابراین، متن نوشته نمی‌تواند روشن‌گر همه نکات مورد نظر خواننده باشد. برای رفع این نقیصه، نوشتار بیشتر به توضیح روشن و بی‌ابهام مطلب نیاز دارد تا گفتار، مگر در مکاتباتی که بین دو طرف کاملاً آشنا با هم صورت می‌گیرد. نتیجه آن که گوینده با مخاطبان خود تعامل مستقیم دارد اما نویسنده، تعامل غیر مستقیم.

#### ۱۳.۴ فاصله

پیام مکتوب در دو بعد فیزیکی و زمانی قابل انتقال است. حوزه ارتباطی و پیام‌رسانی متن مکتوب یک زبان در زمان و مکان، تا آنجا که آن زبان قابل فهم باشد، گسترده است و، در

نتیجه، خواننده می‌تواند هر متنی را که در جای دیگر و زمان دیگری نوشته شده بخواند و درک نماید. امکان مواجه شدن با نویسنده یا برگشتن به زمان او وجود ندارد و این امر یکی از عواملی است که به دشواری خواندن منجر می‌شود. پیام‌رسانی گفتار به لحظه بیان آن و مکان همان لحظه محدود می‌شود (Brown, 2001: 304).

#### ۱۴.۴ سرعت بیان و نگارش

چیف در طرح تحقیقاتی خود، که با شرکت تعدادی از دانشگامیان و با تمرکز بر زبان نوشتاری رسمی و زبان گفتاری غیر رسمی، صورت گرفته دریافت است که سرعت متوسط انگلیسی گفتاری با احتساب مکث‌ها به ۱۸۰ کلمه در دقیقه می‌رسد. نگارش دستی با سرعتی کم‌تر از یک دهم گفتار صورت می‌گیرد و سرعت تایپ روی هم‌رفته به یک سوم سرعت گفتار می‌رسد. از طرف دیگر، سرعت خواندن بین ۲۰۰ تا ۴۰۰ کلمه در دقیقه متغیر است که نسبت به سخن گفتن و شنیدن سرعت بیش‌تری دارد. بنابراین، گفتن و شنیدن به طور هم‌زمان انجام می‌شود اما نوشتن و خواندن سرعت کم‌تری دارد، و سرعت نوشتن کم‌تر از خواندن است. نتیجه آن‌که سخن گفتن خیلی سریع‌تر از نوشتن محقق می‌شود (Tannen, 1984: 360).

خواندن خیلی سریع‌تر و مؤثرتر از شنیدن صورت می‌گیرد. در گفتار، شنونده مجبور است گفته زودگذری را، که با سرعت تولید شده، در ذهن خود پردازش نماید که البته واژگان و نحو ساده به آن کمک می‌کند. اما، در نوشتار، خواننده با متنی سروکار دارد که قابل خواندن و بازخوانی است؛ او می‌تواند نحو پیچیده و واژگان آن را درک نماید و در صورت لزوم از واژه‌نامه کمک بگیرد (Asher and Simpson, 1994: 4302).

#### ۱۵.۴ یک پارچگی در نوشتار

روند آهسته نگارش نمی‌تواند تماماً به دلیل فعالیت مکانیکی نوشتن باشد بلکه دلیل دیگر آن مدت زمانی است که معطوف رشته‌ای از افکار خود می‌کنیم و می‌کوشیم که آن‌ها را در قالب موضوعی پیچیده‌تر، پیوسته، و یک پارچه ثبت نماییم؛ در حالی که، در سخن گفتن، افکار خود را اغلب جزء به جزء بیان می‌کنیم و نیازی به صرف وقت برای یک پارچه کردن آن‌ها، همچون در نوشتار، احساس نمی‌شود. بنابراین، زبان نوشته ماهیتی یک پارچه دارد و زبان گفتار ماهیتی چندپارچه و گسیخته.

#### ۱۶.۴ گستره کاربردی

گفتار گونه‌های گویشی و لهجه‌ای دارد که هر کدام نماینده منطقه‌ای ویژه است. نوشتار کاربرد گسترده‌تری دارد و از شکل معیاری دستور، ساختار، و واژگان پیروی می‌کند. گونه‌های گویشی و لهجه‌ای در ایران بسیار متنوع و گسترده است اما همه آن‌ها قرینه نوشتاری واحدی دارند که شکل نگارش ملی محسوب می‌شود.

#### ۱۷.۴ تأثیرگذاری

هر دو گونه نوشتاری و گفتاری می‌توانند بر مخاطب تأثیری بسیار بگذارند. تأثیرگذاری گفتار از امکانات وسیع ارتباط کلامی، و نیز غیر کلامی، که قبلاً به آن‌ها اشاره شد، و نیز عوامل دیگر برای انتقال پیام صورت می‌گیرد. از این رو، تأثیر گوینده بر شنونده در پیام گفتاری بیش‌تر از تأثیر نویسنده بر خواننده است (Ferraro and Palmer, 2011: 2). نوشتار نیز تأثیر خود را دارد که از محتوای متن، کاربرد واژه‌های کم‌بسامد، و قابلیت‌های نگارشی ناشی می‌شود.

#### ۱۸.۴ دانش زبانی

میزان سواد و دانش افراد در گفتار یا نوشتار آنان تأثیرگذار است. تأثیرگذاری نوشتاری در کاربرد واژگان و ساختار دستوری نمایان می‌شود. در حوزه واژگان، هر چه میزان دانش زبانی افراد بیش‌تر باشد، آن‌ها از واژه‌های بلندتر و کم‌بسامدتری استفاده می‌کنند. از نظر ساختار دستوری، تحصیل کرده‌ها جمله‌های پیچیده‌تر و طولانی‌تری را به کار می‌گیرند و توانایی بیش‌تری در ترکیب جمله‌ها به کمک حروف ربط دارند.

گفتار اشخاص تحصیل کرده به طور کلی ممکن است با شکل نوشتاری نزدیکی بیش‌تری داشته باشد تا گفتار افراد بی‌سواد و کم‌سواد. هرچه فضای گفت‌وگو رسمی‌تر باشد، توانایی تحصیل‌کردگان در نزدیک شدن به گونه نوشتاری مشهودتر است. به‌عکس، برقراری ارتباط نزدیک بین گفتار و شکل نوشتاری برای اهل زبان، هرچه بی‌سوادتر باشند، با دشواری بیش‌تری انجام می‌گیرد.

#### ۱۹.۴ اطلاعات ذهنی و عینی

در زبان گفتار، بخش عمده معنی را بافت (context) زبانی و غیر زبانی تعیین می‌کند؛ اما، در

زبان نوشتار، بیش‌تر معنی را مستقیماً متن مشخص می‌کند. در زبان گفتار، درستی گزاره (proposition) با درک مبتنی بر تجربه تعیین می‌شود؛ اما، در نوشتار، تأکید بیش‌تر بر استدلال و منطق قرار دارد. زبان گفتار اطلاعات ذهنی‌ای را منتقل می‌کند که روابط بین گوینده و مخاطب را شامل می‌شود؛ اما زبان نوشتار انتقال‌دهنده اطلاعات عینی است.

#### ۲۰.۴ زمان

در نوشتن و خواندن، نویسنده و خواننده عنان اختیار را در دست دارند. نویسنده می‌تواند زمانی طولانی و حتی سال‌ها از وقت خود را صرف نوشتن نماید. خواننده هم ممکن است متن نوشته را به سرعت یا آهسته بخواند و یا حتی از خواندن باز ایستد و درباره نوشته به تفکر پردازد. مهم‌تر این‌که خواننده از فرصت خواندن مکرر بهره‌مند است. زبان گفتاری غیر رسمی، در زمان واقعی، بالبداهه و بدون فرصت بازنگری تولید می‌شود و شنونده برای درک آن ناچار به رعایت سرعت گوینده است (Brown, 2001: 304).

#### ۲۱.۴ سرعت تغییر

گونه گفتاری زبان، به دلیل گرایش‌های انفرادی، آزادی نحوه بیان و نبود قواعد حاکم بر کاربردهای فردی و گروهی در جامعه زبانی، با سرعت بیش‌تری نسبت به گونه نوشتاری دچار تغییر می‌شود. به عکس، زبان نوشته، به دلیل رعایت ضوابط و قواعد نگارشی و مکتوب‌بودن آن، تغییرات کندتری دارد. سوسور تغییر را از ویژگی‌های اصلی گفتار می‌داند: «زبان گفتاری دائماً در حال تغییر است، حال آن‌که خط به ثبات گرایش دارد» (Sausure, 1966: 27). نیز: «در گفتار است که منشأ تمام تغییرات پیدا می‌شود» (ibid: 98) و «هیچ چیز وارد زبان نمی‌شود مگر در گفتار آزموده شده باشد و هر پدیده در جریان تحول و تکامل ریشه در گفتار فرد دارد (ibid: 168).

#### ۵. نتیجه‌گیری

زبان‌های بشری، که وجه مشترک همه آن‌ها شکل گفتاری است، اکثراً دارای گونه نوشتاری‌اند اما بین این دو گونه کم و بیش تفاوت‌هایی وجود دارد. تفاوت‌های گفتاری - نوشتاری را می‌توان در طیفی از کم‌ترین تا بیش‌ترین قرار داد. زبان فارسی از زبان‌هایی است که بین گفتار و نوشتار آن افتراقات بسیاری دیده می‌شود. به همین دلیل،

غیر فارسی‌زبانان، که به آموختن این زبان روی می‌آورند و امکان فراگیری آن در محیط فارسی‌زبان و شرایط بهینه برایشان فراهم نیست، به شناخت دو گونه یادشده و تفاوت‌های آن در مراحل زبان‌آموزی نیاز بیشتری دارند. غیر ایرانی بودن بسیاری از مدرسان زبان فارسی و بهره‌نداشتن اغلب مدرسان ایرانی از تخصص آموزش زبان موجب تشدید این نیاز می‌شود.

مطالعات پژوهش‌های گفتاری - نوشتاری با آغاز تحولات دانش زبان در اوایل قرن گذشته مورد توجه قرار گرفت و محققان این رشته به بررسی و تحلیل دو گونه و تفاوت‌های آن پرداختند. گرچه حوزه گفتار و نوشتار به دلیل گستردگی و تنوع آن هنوز جای تحقیق دارد، پژوهش‌گران تاکنون به دانش زیادی در این زمینه دست یافته‌اند که می‌تواند به طور کلی در آموزش زبان خارجی و زبان دوم مؤثر واقع شود. در این مقاله، تفاوت‌های عمده این دو گونه به لحاظ ساختاری که نقش بیشتری در فرایند آموزش زبان دارد مطرح و بررسی شد. برای بهره‌گیری کامل از این یافته‌ها در تدریس زبان فارسی ضرورت دارد که هر یک از یافته‌های جدید جداگانه بررسی شود و، بر مبنای آن، راهکارهای آموزشی لازم فراهم گردد.

### پی‌نوشت

۱. بخشی از مقاله چیف و تنن (Chafe and Tannen, 1989) اطلاعاتی دقیق و مشروح درباره سیر مطالعات گفتاری - نوشتاری از آغاز قرن گذشته و محققان نام‌دار این حوزه تا تاریخ انتشار مقاله را به دست می‌دهد.
۲. مجموعه فارسی در جهان و انتشارات دیگر «شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی» اطلاعات جامع و مبسوطی درباره پیشینه فعالیت‌های آموزش زبان فارسی در کشورهای جهان و وضعیت فعلی آن در اختیار علاقه‌مندان قرار می‌دهد.
۳. کاربرد گروه بر گونه گفتاری دلالت دارد.
۴. کلباسی (۱۳۸۰) در مقاله خود فرآیندهای آوایی گونه گفتاری در مقایسه با گونه نوشتاری را به دقت و تفصیل شرح داده است.

### منابع

ثمره، یدالله (۶۸-۱۳۶۷). مجموعه آموزش زبان فارسی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، اداره کل روابط و همکاری‌های بین‌المللی.

- ذوالفقاری، حسن، مهبد غفاری، و بهروز محمودی بختیاری (۱۳۸۷). *مجموعه فارسی بیاموزیم*، تهران: مدرسه. رضایی، والی (۱۳۸۴). «زبان معیار چیست و چه ویژگی‌هایی دارد؟»، *نامه فرهنگستان*، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- زاهدی اصل، سارا (۱۳۸۳). «مقایسه کلامی گفتار و نوشتار زبان فارسی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- سارلی، ناصرقلی (۱۳۸۴). «معیار گفتاری، معیار نوشتاری»، *مطالعات و تحقیقات ادبی*، ش ۵ و ۶، تهران: دانشگاه تربیت معلم.
- سمیعی گیلانی، احمد (۱۳۸۶). *نگارش و ویرایش*، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- شکوهی، آزاده (۱۳۸۲). «بررسی آرایش نحوی عنصر تشکیل دهنده جمله در متون نوشتاری معاصر و مقایسه آن با آرایش نحوی عناصر در زبان محاوره»، رساله دکتری زبان‌شناسی، تهران: دانشگاه آزاد، واحد تهران مرکزی.
- صادقی، علی‌اشرف (۱۳۶۲). «زبان معیار»، *نشر دانش*، س ۳، ش ۴.
- صفارمقدم، احمد (۱۳۸۶). *مجموعه زبان فارسی*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی.
- طیب، سیدمحمدتقی (۱۳۵۵). «توصیف فارسی محاوره‌ای تهران و مقایسه آن با فارسی ادبی امروز بر بنیاد نظریه زبانی مقوله و میزان»، رساله دکتری زبان‌شناسی، تهران: دانشگاه تهران.
- فولادی، پریسا (۱۳۸۲). «تعیین برخی تفاوت‌های آوایی، صرفی و نحوی گونه نوشتاری با گونه گفتاری (گفت‌وگویی) در زبان فارسی تهرانی»، رساله دکتری زبان‌شناسی، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.
- کلباسی، ایران (۱۳۸۰). «فارسی گفتاری و نوشتاری»، *فرهنگ زبان‌شناسی*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- مدرسی، یحیی (۱۳۶۸). *درآمدی بر جامعه‌شناسی زبان*، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- مدرسی، یحیی (۱۳۸۰). *فارسی در گفتار*، تهران: شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی.
- نجفی، ابوالحسن (۱۳۷۸). *گونه‌های زبان فارسی*، تهران: نیلوفر.
- وحیدیان کامکار، تقی (۱۳۸۴). *دستور زبان فارسی گفتاری*، تهران: الهدی.
- هاتف حقی، ترانه (۱۳۸۰). «بررسی و توصیف بند در سبک گفتار زبان فارسی و مقایسه آن با سبک نوشتار»، رساله دکتری زبان‌شناسی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

Asher, R. E. and J. M. Y. Simpson (1994). *The Encyclopedia of Language and Linguistics*, Michigan: the University of Michigan.

Assi, Mostafa (2012/ 1385). <http://ihcs.ac.ir/files/PLDB-REPORT85.PDF>.

Brown, Gillian and George Yule (1983). *Teaching the Spoken Language: An Approach Based on the Conversational English*, Cambridge: Cambridge University Press.

- Brown, H. Douglas (2001). *Teaching by Principles, an Interactive Approach to Language Pedagogy*, San Francisco: State University.
- Chafe, Wallace and Deborah Tannen (1987). *The Relation Between Written and Spoken Language, Annual Review of Anthropology*, Vol. 16, by Annual Reviews Inc.
- Drieman, G. H. J. (1962). 'Differences Between Written and Spoken Language', *Acta Psychologica*.
- Ferraro, Vincent and Kathryn C. Palmer (2011). 'Differences Between Oral and Written Communication', <https://www.mtholyoke.edu/acad/intrel/speech/differences.htm>.
- Halliday, M. A. K. (1989). *Spoken and Written Language*. Oxford: Oxford University Press.
- Johansson, Victoria (2008). 'Lexical Diversity and Lexical Density in Speech and Writing: a Developmental Perspective', *Working Papers* 53, Sweden: Lund University.
- Saussure, Ferdinand (1966). *Course in General Linguistics*, USA: McGraw-Hill.
- Tannen, D. (1984). *Spoken and Written Language: Exploring Orality and Literacy*, New Jersey: Ablex.

## منابع دیگر

حسینی، حمید (۱۳۸۴). *واژه‌های پیرکاربرد فارسی امروز*، تهران: کانون زبان ایران.

- Kucera, Henry and W. Nelson Francis (1961). *The Brown University Corpus*, Rhode Island: [www.helsinki.fi/varieng/CoRD/corpora/BROWN/index.html](http://www.helsinki.fi/varieng/CoRD/corpora/BROWN/index.html).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی